**http://rasekhoon.net/news/show/1226944/همه-وعده‌ها-دروغ-بود-ناگفته-هایی-درباره-فتنه-88/**

**حجت‌الاسلام حیدر مصلحی :**

**همه وعده‌ها دروغ بود / ناگفته هایی درباره فتنه 88**



**وزیر سابق اطلاعات گفت : در فتنه 88 سفارت انگلیس بیش از 200 نفر آدم داشت و تعدادی زیادی از این افراد هم انگلیسی بودند، بقیه‌شان ایرانی‌های همراه آنها بودند.**

به گزارش[**راسخون**](http://rasekhoon.net/news)، ابتدای مصاحبه تأکید می کند که این برنامه صرفاً یک مصاحبه برای روشنگری است و نیت کسب مقام و مسئولیت سیاسی در آن نیست و بعد به تفصیل درباره خط نفوذ و اقدامات اطلاعاتی، سیاسی و فرهنگی دشمن سخن می‌گوید. تسلط به معارف اصیل اسلامی، آگاهی عمیق سیاسی و سابقه حضور در رأس دستگاه امنیتی، موجب خواندنی شدن گفت‌وگوی ماهنامه رمزعبور با حجت الاسلام و المسلمین حیدر مصلحی با «رمزعبور» شد.

**چرا در دو سه سال اخیر نفوذ از طرف رهبری به صورت پرحجم و در ابعاد مختلف نظیر تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری و حتی امنیتی پیگیری می‌شود؟**

**اعوذ بالله من الشیطان الرجیم. بسم الله الرحمن الرحیم.**

سخنرانی مقام معظم رهبری در سال گذشته در سالگرد ارتحال حضرت امام (ره) نقطه عطفی در سیر مدیریتی است که آقا برای انقلاب و مقابل تهدیدات و مسائل انقلاب در نظر دارند. در آنجا جمله‌ای را فرمودند که معتقدم خیلی‌ها ساده از کنارش گذشتند و روی آن تأمل نکردند. نگفتند گروه خاص، بلکه چنین تعبیری را به کار بردند که «اگر راه امام را گم کنیم یا نسبت به راه امام غفلت کنیم یا عمداً آن را کنار بگذاریم، ملت ایران سیلی خواهند خورد.» آقا این حرف را در موقعیتی می‌زنند که مدیریت انقلاب دست ایشان است و دارند این انقلاب را جلو می‌برند. در صحبت ایشان سه بخش گم کردن راه امام، غفلت کردن و عمداً کنار گذاشتن آن برجسته است. گم کردن راه امام راحل ‌مربوط به نسل‌های سوم و چهارم است. در این قسمت خطاب آقا به این دو نسل است که امام و مشی ایشان را ندیده‌ و سخنرانی‌هایش را نشنیده‌، نوع سلوک امام در برخورد با افراد و جریان‌های مختلف را ندیده‌اند که هر کدام از برخوردهای ایشان در مسائل مختلف حاوی نکات مهمی است. چنین نسلی براحتی به این طرف و آن طرف گرایش می‌یابد، راه را گم می‌کند و گمراه می‌شود. امروز روز تبیین و تشریح وصیت‌نامه امام است. امام در وصیت‌نامه‌شان می‌فرمایند که چگونه حرفم را بپذیرید. آیا هر کسی هر چیزی را از طرف من گفت قبول کنید؟ با چه استنادی بپذیرید؟ حضرت امام در صحیفه امام درباره موضوعات مختلف مطلب دارند و امروز عده‌ای جملات صریح ایشان در وصیت‌نامه‌شان را کنار گذاشته‌اند و بعد می‌آیند و از امام خاطره می‌گویند! اصلاً به مطالب ناب امام نمی‌پردازند. در بحث اسلام امریکایی و مباحثی از این قبیل امام جمله تکان‌دهنده‌ای دارد. ایشان برای اعضای جامعه مدرسین قم پیامی دارند و طوری صحبت کرده‌اند انگار برای شرایط امروز و مسائلی است که اکنون در کشور می‌گذرد. امام می‌فرماید: «امروز خطر هدم اسلام در جهان بسیار قوی است. بدون جذب جوانان دلسوخته حوزه‌ها و دانشگاه‌ها و بازارها و خیابان‌ها نمی‌شود اسلام ناب محمدی (ص) را در جهان مستضعفان و پابرهنگان جهان پی‌ریزی کرد. بحث این نیست که به من نوشتید یا متأثر از تأثر من شدید. بحث بر سر این است که چگونه باید جواب نسل‌های آینده را داد؟» آنچه در ادامه آمده خیلی مهم است. «بحث بر سر این است که اگر دیر بجنبیم اسلام امریکایی از جلسات سیاسیون ظاهرالصلاح وابسته به امریکا و نیز از همین حوزه‌ها و دانشگاه‌ها چنان زیبا برای جهان پابرهنگان تشنه عدالت ترسیم می‌شود که همگی محکوم به فنا هستیم.» مثل این است که امام دارند برای شرایط کنونی ما صحبت می‌کنند.

درباره اسلام امریکایی و اسلام ناب نکته‌ها و جملات قابل توجهی از امام وجود دارد که نمی‌خواهم وارد آن شوم. بخش دوم غفلت از راه امام (ره) است. این بخش مربوط به نسل‌های اول و دوم انقلاب است که خود امام، مشی و سلوک و اقدامات ایشان را دیده‌ و الان غافل شده است. عوامل غفلت بحث زیادی دارد؛ اینکه چه مسائلی باعث غفلت و جابه‌جا شدن ارزش‌ها می‌شوند. در بخش سوم هم می‌فرمایند اگر عمداً راه امام را کنار بگذاریم که این مربوط به قضیه نفوذ است. هر سه اینها در بحث تحریف قرار می‌گیرند.

نفوذ موضوع جدیدی نیست و از اول انقلاب دشمن برای تغییر دادن مسیری که امام دنبالش بود طراحی نفوذ برای انقلاب کرده است. تعارف ندارد، همه چیز ایران قبل از انقلاب دست امریکایی‌ها و انگلیسی‌ها بود و همه جا آدم داشتند. انقلاب که شد همه چیزشان به هم ریخت. بر اساس شمّ اطلاعاتی و مطالعاتم، این‌ها در دوران دفاع مقدس برای اینکه خودشان را داخل نظام و انقلاب تعریف کنند، بیشتر با حضور در جنگ نقش داشتند. اگر هم خودشان را تعریف می‌کردند، در فضای درگیری جنگ بود، اما پس از جنگ طراحی کردند تا جایگاه‌های از دست داده‌شان را ـ که با انقلاب به هم ریخته و از بین رفته بود و با جنگ هم نتوانستند آن را بازسازی کنند ـ به دست آورند. چگونه؟ از طریق همین نفوذ. بازسازی‌ای در آن جهت انجام دادند که به نظرم خیلی جای کار دارد. مابین صحبت‌ها اگر بحث پراکنده می‌شود برای این است که حیفم می‌آید مواردی را نگویم.

احساس دشمن و استکبار از انقلاب ما این بود که مثل بقیه انقلاب‌های دیگری است که در دنیا اتفاق افتاده است، مثل انقلاب روسیه، فرانسه و در کشورهای اسلامی الجزایر، مصر و جاهای مختلف. در همه این انقلاب‌ها بعد از مدت کوتاهی اوضاع سر جای اولش برگشت. انقلاب‌های فرانسه و روسیه را بررسی کنید. این قضیه در مورد آنها صدق می‌کند. در انقلاب اسلامی دشمن دید امام از همان اول با سرعت ـ نکته مهمش همین سرعت امام بود ـ دارد ساختاری را می‌چیند که به این راحتی نمی‌توانند با آن مقابله کنند. یکی از بحث‌های جدی این ساختار مقوله «ولایت فقیه» است. بعضی از دوستان ما الان کار اشتباهی می‌کنند و در دفاع از ولایت فقیه و مباحثی از این قبیل ولی فقیه را به رئیس‌جمهور امریکا و حکومت ولایی را به حکومت امریکا تشبیه می‌کنند.

**در حوزه اختیارات نفر اول حکومت این حرف را می‌زنند.**

به نظر من این تشبیه اشتباه است. چرا؟ چون مقوله «ولایت فقیه» اصلاً معنا و مفهوم خاص خودش را دارد. خود کلمه «ولی» ابعاد و معانی مختلفی دارد. در کتاب‌های لغت گفته‌اند برای واژه «ولی» نزدیک به 70 معنا وجود دارد. حرفم این است که همه این 70 معنی نظیر حُبّ، دلدادگی، عشق، اداره، مدیریت و... در مقوله ولایت فقیه هست. امام آمد بحث ولایت فقیه را به صورت ساختاری در جامعه، کشور و انقلاب آورد. استکبار دید ساختاری را که امام دارد می‌چیند به این آسانی نمی‌تواند ساقط کند. بعد از چند سال، خصوصاً پس از جنگ که مدیریت امام را در جنگ دیدند که چگونه به بدنه مردمی اعتماد و تکیه کرد و با وجود سپاه و ارتش امام گفت مردم باید جنگ را اداره کنند و همه مردم را از هر قشری به صحنه آورد. استکبار دید این مقوله جدید و با گذشته و بقیه انقلاب‌ها متفاوت است. همین‌طور که جلو آمدند به این جمع‌بندی رسیدند که این دارد الگویی به دنیای اسلام می‌دهد که اگر این الگو جلو برود و با طراحی‌هایی که امام دارد به نتیجه برسد، از استکبار هیچی نمی‌ماند. یک‌سری از رسانه‌ها ماندگاری یعنی نشست فکری دارند و در اذهان مخاطبان می‌نشینند و تأثیرگذارند، ولی بعضی از رسانه‌ها امروز چند تا تیتر می‌زنند و فضایی را درست می‌کنند و تا فردا تمام می‌شود. نباید ساده از کنار اقداماتی که امریکا و اروپا و کلاً استکبار و خصوصاً سه مثلث موساد، CIA و MI6 و مؤسسات وابسته به این سه تا در مقابله با انقلاب اسلامی انجام می‌دهند بگذریم. ببینید در طول 38-37 سال عمر انقلاب اسلامی مؤسسات وابسته به اینها چه کار کرده‌اند؟ با کمال تأسف می‌گویم بخشی از فرهیخته‌های ما را تحت تأثیر خودشان قرار داده‌اند. یکی از اقداماتی که مؤسسه <رَند> و یکی دو مؤسسه دیگر هماهنگ با هم در دنیای اسلام برای مقابله با انقلاب اسلامی راه انداخته‌اند، این بود که باید بیاییم حرکتی را راه بیندازیم که نخبگان، نهضتی‌ها و سیاسیون دنیای اسلام را تحت تأثیر خودمان و در مسیر مد نظرمان قرار بدهیم. چه کار کردند؟ 15-10 سال پیش نشستی در مالزی برگزار و ماهاتیر محمد مسئولش شد. همه سیاسیون و نهضتی‌های دنیای اسلام را با شعار واحدی برای پیشرفت دنیای اسلام در آنجا جمع کردند. محور آن شعار چه شد؟ اعتدال و اسلام رحمانی. می‌خواهم بگویم دقت کنید قضایا را از کجاها ببینیم. از داخل کشور و حتی از آدم‌های انقلابیمان برای مؤسسه <رند> و مجموعه‌ای که این کار را انجام داد مقاله دادند! اصلاً کسی توجه نداشت دارد چه اتفاقی می‌افتد. همه این حرکت‌ها برای این بود که نهضتی‌های دنیای اسلام را کنترل کنند و در جهتی که می‌خواهند قرار بدهند. جمعیت‌های مختلفی از نهضتی‌ها و سیاسیون در این امر حضور داشتند. همه این حرکت نفوذ است. یکی از کارهایی که معتقدم باید انجام شود و کم روی آن سرمایه‌گذاری کرده‌ایم، شناساندن مؤسسات مختلف و سرویس‌های اطلاعاتی استکبار است که این مؤسسات دارند چه کار و چگونه حرکت می‌کنند که فرهیخته‌های خودمان و انقلاب عضو آنها می‌شوند و حق عضویت هم می‌پردازند! متوجه هم نیستند دارند چه کار می‌کنند.

نفوذ این‌جوری شروع کرد و جلو آمد. برایتان مثالی می‌زنم. سر قضیه کنترل جمعیت آیا می‌توانید این مؤسسات را نادیده بگیرید؟ فراخوان‌های متعددی دادند. یکی بررسی کند در این 38 سال همین مؤسسات وابسته به سرویس‌ها چه فراخوان‌هایی درباره ایران و از ایران چه کسانی برای آنها مقاله داده‌اند؟ قابل تأمل و توجه است. مثلاً در بحث جمعیت یکی از اقداماتشان فراخوانی با این عنوان بود: مذاهب اسلامی داخل ایران، قبایل و وضعیت جغرافیایی. مثلاً موقعیت جغرافیایی دریاچه ارومیه در مورد قومیت، مذهب و مباحثی از این قبیل چگونه است. ممکن است خیلی ساده از کنار اینها بگذریم، ولی اگر روی آن تأمل کنیم خیلی چیزها در می‌آید.

**سیستم اطلاعاتی ما کدها و مصادیق این موضوعات را شناسایی و روی آنها کار کرده است؟**
یک نکته بگویم. بحمدالله دستگاه اطلاعاتی ما به‌روز و خوب است و بدنه حزب‌اللهی، پای کار و بسیار خوبی دارد.

**کل ساختار اطلاعاتی کشور؟**

بله، مجموعه دستگاه اطلاعاتیمان به‌طور کلی. در بحث‌هایم به این موضوع می‌رسم که در این مقوله‌ها چگونه است.

می‌خواهم همین‌طور جلو بیایم. این مؤسسات مدام طراحی اطلاعاتی کرده‌اند، تا برای رسیدن به اهدافشان وارد انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی شوند. نکته مهم این است که استکبار از فتنه 88 به این طرف یک طراحی جدید در بحث نفوذ کرد. از فتنه 88 به بعد دشمن یکدفعه دید عقبه‌ای داخل کشور دارد که می‌تواند از آنها استفاده کند و آنها علقه‌هایی دارند. ممکن است با او ارتباط مستقیم نداشته باشند، ولی می‌تواند از اینها استفاده کند. مقام معظم رهبری تعبیر قشنگی دارند که بعضی‌ها حرف‌هایی می‌زنند و کارهایی می‌کنند و اصلاً قصد همراهی با استکبار را ندارند، ولی توجه نمی‌کنند حرف و یا کارشان در راستای خواسته اوست. استکبار یکدفعه دید چنین پتانسیلی را در اختیار دارد.

درباره راهبرد و ابعاد بحث نفوذ باید بگویم، آغاز مرحله جدید طرح نفوذ همزمان با شروع فتنه است. راهبردهای طرح نفوذ امریکا چیست؟ مرحله اول مهار ایران است. همان‌طور که جلو می‌رویم در بحث‌ها به این نکته می‌رسم. در مرحله دوم دنبال تغییر رفتار و مرحله سوم تغییر ساختار است. کافی است در سه سال گذشته به حرف‌های بعضی از افراد مختلف توجه کنید، آیا این سه مرحله را در آنها می‌بینید یا نه؟ مثلاً در بحث تغییر ساختار راجع به ولی‌فقیه و مسائلی از این قبیل طرف حرف‌هایی می‌زند، بعد می‌بیند در موقعیت‌های مختلف دنبال این بحث‌ها بودند و یکی از حرف‌هایشان این است که اصلاً ولی‌فقیه به عنوان فرد اختیارداری که بتواند در نظام دخالت کند مطرح نبوده است، بلکه می‌خواستیم مقوله‌ای تشریفاتی مثل ملکه انگلیس داشته باشیم. این همان تغییر ساختار است.

در مورد تغییر رفتار، کافی است ببینیم عده‌ای کلمه استکبار و از آن طرف کلمه ایالات متحده امریکا را چقدر به کار می‌برند؟ ممکن است خیلی راحت از کنار اینها بگذریم، ولی هر کدام از اینها بار دارد. وقتی گوینده واژه استکبار را به کار می‌برد، برایش باری دارد، یعنی استکبار دشمنت هست، دارد طراحی می‌کند و چه و چه می‌کند. توی مسئول، نخبه و هر کسی که هستی باید برای مقابله با استکبار طراحی کنی. داری به مخاطبت ـ که مردم هستند‌ـ می‌گویی من در مدیریتم با استکبار مواجهم و برای مردم هم باری دارد. مردم هم باید آمادگی‌هایی پیدا کنند. از آن طرف وقتی می‌گویید ایالات متحده امریکا یک بار معنایی دارد. همین امر ساده تغییر رفتار است. این‌ها با هم جلو می‌آیند.

مرحله اول گام‌های عملیاتی و اجرایی طرح نفوذ امریکا موج‌سواری و هدایت فضای فتنه 88 است. افراد مختلفی به دنبال این هستند که فتنه 88 را زنده نگه دارند. از چه طریقی؟ حمایت گسترده از فتنه‌گران و تصویب و اجرایی شدن تحریم‌های جدید و هوشمندانه در سال 1388. در انتهای سال 1388 مصوبه سازمان ملل درباره تحریم‌ها خیلی هوشمندانه بود، چون همان فتنه‌گرها سراغشان رفتند و به آنها خط دادند.

سومین راه تلاش برای تضعیف اقتصاد ملی جمهوری اسلامی است که ابعاد مختلف دارد و در رده‌های گوناگون دارد دنبال می‌شود. چهارمین طریق ایجاد نارضایتی عمومی است. با تضعیف اقتصاد ملی می‌خواهد به چنین هدفی برسد. راه پنجمی که پی می‌گیرند انتقال فشار به معیشت جامعه است. یعنی فشار اقتصادی به معیشت جامعه وارد شود و خودش را نشان بدهد. ششمین راه تلاش برای شرطی‌سازی اقتصاد ایران و افکار مردم با مذاکره هسته‌ای است. در طول مذاکرات می‌دیدید مردم پای تلویزیون می‌نشستند و شرطی شده بودند و با آن زندگی‌هایشان را تنظیم می‌کردند. می‌خواهد برود جهیزیه برای دخترش بخرد، می‌گوید صبر کن ببینیم مذاکرات چه می‌شود. هنوز هم این شرطی بودن ادامه دارد و تمام نشده است. همچنان می‌گویند صبر کنید فلان و بهمان می‌شود. مورد هفتم تأثیرگذاری بر افکار عمومی مردم است. ظرفیت مردم تا حدی است و بالاخره صدایشان در می‌آید که چه وضعی است؟ وقتی شرطی می‌شوند مدام می‌نشینند و بلند می‌شوند. می‌خواهند کاری کنند و دست نگه می‌دارند. بعد می‌بینند نتیجه نمی‌گیرند. هشتمین راه تلاش برای حمایت از برخی چهره‌های غرب‌گرا و برجسته‌سازی آنها داخل کشور به عنوان منجی است. خواهش می‌کنم اینجا را دقت کنید. دشمن چهره‌های غرب‌گرا را طراحی و فضاسازی می‌کند که اینها به عنوان منجی مشکلات کشور مطرح شوند. کافی است ببینید آیا در فضای شبکه‌های ماهواره‌ای و امثالهم این خط دنبال می‌شود یا نمی‌شود. مورد نهم تلاش برای مهار ایران در سطح منطقه و خراب کردن جبهه مقاومت است. این مرحله اولش هست که با موج‌سواری و هدایت فضای فتنه 88 و از 9  راهی که اشاره شد جلو می‌رود.

مرحله دوم ایجاد اشتباه محاسباتی است که روی این خیلی حرف دارم. در بحث نفوذ دشمن دارد همه سرمایه‌گذاری‌هایش را می‌کند...

**مرحله اول از سال 1388 شروع شد؟**

بله. در مرحله دوم طرح نفوذ می‌خواهد چه کار کند؟ ایجاد اشتباه محاسباتی در سه بخش مسئولین، نخبگان و مردم. در بخش مردم آیا می‌پذیرید مردم بروند به رئیس‌جمهوری رأی بدهند که دروغ بگوید، جلوی توسعه و پیشرفت کشور را بگیرد؟ هیچ‌کسی چه برای شوراها، چه مجلس، چه خبرگان و چه ریاست جمهوری به کسی رأی نمی‌دهد که جلوی اقتصاد کشور، توسعه و رفع گرفتاری‌ها را بگیرد و دروغ بگوید. همه می‌خواهند به کسی رأی بدهند که کشورشان را توسعه بدهد و گرفتاری‌ها و مشکلاتشان را برطرف کند، اما دشمن کاری می‌کند که در این انتخاب دچار اشتباه محاسباتی شوند. صغری کبرایی که می‌چیند تا نتیجه آن باشد، نتیجه چیز دیگری می‌شود. در رده مسئولین هم همین‌طور است. نفوذ در مقوله اشتباه محاسباتی بسیار جدی دارد کار می‌کند. اگر فرصت شد جداگانه در این باره می‌گویم.

در برجام‌های 2، 3، 4 و 5 دشمن دارد مرحله سوم را دنبال می‌کند و بعضی‌ها هم داخل در این جهتند. این مرحله وسوسه کردن ایران به تعامل و مذاکره با امریکا در موضوعات منطقه‌ای مثل سوریه، عراق و امثالهم است. اولین مرحله طرح نفوذ مهار ایران است که در این مهار دقیقاً دارد این مقوله را جلو می‌برد تا جمهوری اسلامی را در منطقه مهار کند و در چنگ خودش بگیرد و آن‌طور که دلش می‌خواهد پیش برود. این امر ساده‌ای نیست. شنیده‌ام <کری> به کسی گفته است شما ایرانی‌ها از بشار دست بردارید، ما مقاومت را در منطقه حفظ می‌کنیم. حرف بسیار مضحکی است. اصلاً نقل این حرف حال آدم را می‌گیرد. مقام معظم رهبری می‌فرمایند حواستان باشد مذاکره با دشمن است. همه دعوای دشمن با انقلاب اسلامی مقاومت منطقه است. آن وقت این می‌گوید بشار را برمی‌دارم و مقاومت را برایتان حفظ می‌کنم.

مرحله چهارم تعیین نقش و سهم برای ایران از سوی امریکا و در ابعاد مختلف هدف‌گیری استقلال ایران است. برایت نقش قائل می‌شود و جمهوری اسلامی را روی یک صندلی می‌نشاند و می‌گوید جایگاه تو اینجاست که روی این صندلی رأی بدهی و تو یکی می‌شوی. جایگاهت را تعیین می‌کنند و می‌گویند همین جا بنشین و به عنوان یک عضو نقشی را که من تعیین کرده‌ام ایفا کن. همان برنامه را در ابعاد مختلف دنبال می‌کند. چرا این کار را می‌کند؟ می‌خواهد استقلال ایران را بگیرد. مرکز خاورمیانه ساوان در امریکا گزارشی را تهیه کرده است که در آن مسیر ریل‌گذاری شده برای ایران را راجع به نفوذ بیان می‌کند. چه می‌گوید؟

1 ـ امریکا تحت هیچ شرایطی نباید بپذیرد که ایران کشور برتر منطقه باشد.

2 ـ باید برنامه هسته‌ای ایران منتفی شود.

3 ـ حمایت از حزب‌الله و حماس باید منتفی شود.

4 ـ تغییر نقشه وضع موجود منطقه از سوی ایران باید کنار گذاشته شود. نکته اینجاست که این قضیه‌ای است که امریکایی‌ها در تجزیه کشورها دارند دنبال می‌کنند.

5 ـ ایجاد محدودیت در برنامه موشکی برای مقابله با برتری ایران در منطقه.

6 ـ تحریم تسلیحاتی برای منتفی ساختن حمایت ایران از حماس و حزب‌الله.

همه اینها به مقوله مقاومت و مبارزه با صهیونیست‌ها برمی‌گردد. فقط منطقه را نمی‌گویم، چون انقلاب اسلامی به عنوان تنها جایی است که در مقابل یهود صهیونیست ـ که در دنیا مطرح است ـ ایستاده است. یهود صهیونیست فقط در سرزمین‌های اشغالی خلاصه نمی‌شود و آن یک بخش‌اش هست. آن فقط به آنجا آمده است تا فضای آنها را ایجاد کند. لذا باید حواسمان باشد که از اصل قضیه غافل نشویم.

این‌ها راهبردها و ابعادی است که استکبار در بحث نفوذ به‌طور جدی روی آن برنامه‌ریزی می‌کند. حالا سؤال اینجاست که نفوذ چیست و چند مورد نفوذ داریم؟ آنچه می‌گویم بر اساس تجربیات و مطالعات اطلاعاتیم هست. ممکن است افراد دیگر تقسیم‌بندی‌های دیگری داشته باشند. به نظر من دو نوع نفوذ داریم: یکی موردی و دیگری جریانی. نفوذ موردی زیرکدهایی دارد. این قسم نفوذ یعنی جاسوس. دشمن یک نفر را جاسوس می‌کند. حالا برای چه جاسوس می‌شود؟ بعضی وقت‌ها جاسوس‌ها برای ترور فیزیکی به خدمت گرفته می‌شوند. مثل ترور دانشمندان هسته‌ای ما. اصلاً موساد در مورد ترور فیزیکی برنامه‌ریزی کرده بود تا دانشمندان ما را بردارد. البته هدف دیگرش این بود که کسی جرأت نکند وارد این فضا شود، اما بعد از قضیه احمدی روشن موساد پشیمان شد. این‌ها را بر اساس اطلاعاتم می‌گویم. در قضیه احمدی روشن ناگهان متوجه شد دانشجویان به سمت تغییر رشته و گسیل به رشته‌های هسته‌ای روی آوردند. قصد موساد ترساندن بود، ولی با این اقدام دانشجویان به این رشته‌ها ترغیب شدند. نوع دیگر ترور شخصیتی است. در این جور ترور دشمن دو کار انجام می‌دهد. با ترور شخصیتی می‌خواهد شخصیت مورد نظرش را از حیّز انتفاع بیندازد. یکی از اقداماتش این است که یک نفر را کنار این شخصیت می‌گذارد و کاری می‌کند این شخصیت از سودمندی و قابل استفاده بودن بیفتد. نمونه‌اش منتظری است. تعارف نداریم او کسی بود که قبل از انقلاب زندان، شکنجه و... را تحمل کرده بود. بعد از انقلاب هم تا قائم مقام رهبری پیش رفت، اما مهدی هاشمی را کنارش گذاشتند. مهدی هاشمی چه کار کرد؟ منتظری را از حیّز انتفاع انداخت و او را مقابل انقلاب و نظام قرار داد. فکر می‌کنید نواری که اخیراً در رابطه با منافقین گذاشته شد، کار ساده‌ای است. واقعاً به هم می‌ریزم وقتی گفته می‌شود فلانی همین‌طوری این نوار را گذاشته است. شمّ اطلاعاتیم به من می‌گوید مگر چنین چیزی می‌شود؟ محال است بدون یک عقبه اطلاعاتی که وصل به CIA، MI6 و مانند اینهاست باشد. کسی که این کار را کرده خودش از منافقین لطمه خورده است. شهید محمد منتظری کیست؟ برادر فردی است که این نوار را بیرون داده است. چه کسی محمد منتظری را شهید کرد؟ منافقین. حالا چه اتفاقی می‌افتد که می‌آید و این نوار را در این موقعیت بیرون می‌دهد؟ طرح نفوذ است دیگر. در این زمینه دشمن بسیار سرمایه‌گذاری می‌کند و کنار آدم‌ها آدم می‌چیند. دشمن در این عرصه بسیار کار می‌کند تا ابعاد مختلف فرد را شناسایی کند و نقاط مثبت و منفی و چالش‌هایش را در بیاورد. جلویش تله هم می‌گذارد و در تله از او فیلمبرداری و خیلی کارها می‌کند تا جاسوسش کند. نوع دیگری ترور شخصیتی داریم که اصلاً کار فکری می‌کند و خودش را از حیّز انتفاع می‌اندازد. دو مثال می‌زنم یکی سروش از فضای دانشگاهی کشور است. او که بود؟ دشمن چگونه رویش سرمایه‌گذاری کرد؟ سروش یک آدم فکری بود. گیرتان در مسائل فکری و از حیّز انتفاع انداختن شخصیت در مقولات فکری این است که با بگیر و ببند نمی‌توانید مسأله را حل کنید. اینجا دیگر بگیر و ببندی نیست، بلکه از نظر فکری روی فرد کار کرده‌اند و ساختار فکریش را به هم ریخته‌اند. ساختار فکری سروش را ببینید. در اروپا و امریکا بر اساس هدایت CIA و MI6 دارد چه کار می‌کند.

در حوزه هم همین‌طور. حالا مثال دوم، کدیور که بود؟ یک آخوند حوزه‌ای و انقلابی بود. چه کارش کردند؟ امروز کجاست؟ دشمن طراحی و رویش کار کرد و امروز او را به اروپا و امریکا برده است و می‌چرخاند. کتاب علیه ولایت فقیه می‌نویسد و جلوی انقلاب ایستاده است.

همه اینها ترور شخصیتی است و شخصیت را از حیّز انتفاع و قابل استفاده بودن برای نظام و انقلاب می‌اندازد. به این مهم تأکید می‌کنم که در مقولات فکری به این راحتی‌ نمی‌شود با افراد مقابله کرد و کار بگیر و ببندی نیست. دستگاه فکری و عقبه فکری انقلاب باید به میدان بیاید و مقابلش بایستد. اینجا بحث، جدل و مباحثه و مسائلی از این قبیل خیلی جا پیدا می‌کند.

اقدام بعدی در نفوذ موردی این است که روی یک نفر کار می‌کند تا آرام آرام او را به مرکزیت قدرت برساند. نمونه‌‌اش معاویه است که یهود صهیونیست 35- 34 سال روی او کار کرد و او را آورد و در جایگاه قدرت گذاشت. بدون تعارف همه‌اش کار یهود صهیونیست است. معاویه چه کسی بود؟ کاتب وحی! وقتی به اسلام ایمان آورد، همان یهود صهیونیست رویش کار کرد که کاتب وحی شود و کنار پیامبر(ص) قرار بگیرد. چرا؟ تا وقتی خواست او را به قدرت برساند، بتواند از آن استفاده کند. معاویه حدود 40 سال در جایگاه قدرت قرار گرفت. 20 سالش حکومت شامات و 21-20 سال حکومت دنیای اسلام دستش بود. منظور از دنیای اسلام منطقه جغرافیایی کنونی از افغانستان گرفته تا شامات، فلسطین اشغالی، مصر و همه این سرزمین‌هاست که تحت حکومت معاویه بود. چه کسی معاویه را سر کار آورد؟ نفوذ با برنامه‌ریزی در 30 سال. اشاره کردم باید روی رسانه‌هایی کار کرد که در ذهن می‌نشینند و افکار را شکل می‌دهند. معاویه کیست؟ روی این قضیه کار کرده‌ام. معاویه شخصیتی دارد که در تاریخ بشر در شیطنت سیاسی، سیاسی‌کارتر از او پیدا نمی‌کنید. با آقایی که در این مقولات و روی شخصیت‌های مختلف تاریخ سیاسی بشر مطالعه کرده است بحث می‌کردم که در تاریخ کسی را سراغ داری پیچیدگی‌های معاویه را داشته باشد. گفت نه، معاویه تک است. فقط چرچیل یک مقدار به او نزدیک است. چرچیل در جنگ دوم جهانی امریکایی‌ها را وارد جنگ کرد و اصلاً موفقیتش به همین دلیل بود که با وارد کردن امریکایی‌ها به جنگ جهانی دوم توانست جنگ را تمام کند. البته اهداف خودش را هم داشت. یهود صهیونیست معاویه را می‌آورد و بر دنیای اسلام حاکم می‌کند. یکی از بحث‌های نفوذ موردی این است که ممکن است 30-20 سال روی فردی کار شود. خداوند هم این قضیه را در قرآن رد نکرده است. اینکه می‌بینید عده‌ای با انقلابند و ممکن است در جاهایی از انقلاب دفاع کنند و به انقلاب ایمان هم دارند، ولی جان به جانشان کنید چشمشان به دست امریکا و اروپاست. آیا زمان پیغمبر (ص) این‌جوری نبوده است؟ آیه 51 سوره مائده را بخوانید: «یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا»، ای ایمان آورده‌ها، شمایی که نهضت و انقلاب پیامبر را پذیرفته‌اید، «لَا تَتَّخِذُوا الْیَهُودَ وَ النَّصَارَى أَوْلِیَاءَ» ولایت‌مدار یهود و نصارا نباشید. انقلابی بودند، اسلام را پذیرفته و دنبال اسلام آمده بودند، ولی چشمشان طرف یهود و نصارا بود و ولایت‌مدار یهود و نصارا بودند.

**چه افرادی محل نفوذ قرار می‌گیرند؟ چگونه یک نفر انتخاب می‌شود تا کانال نفوذ شود؟**

دشمن برای نفوذ رده‌های مسئولیتی و اطرافشان را در ابعاد مختلف تجزیه و تحلیل می‌کند و نقاط ضعف و قوت و همه ویژگی‌ها را در می‌آورد.

**این کار را منافقین اوایل انقلاب می‌کردند و برخی از افراد و فرزندانشان مورد سوءاستفاده قرار گرفتند.**
همین‌طور است. بعد از اینکه نقاط قوت و ضعف را در‌آورد، طراحیش بر اساس همین‌هاست. در مورد بعضی‌ها از طریق نقطه ضعفشان وارد می‌شوند. در مورد عده‌ای هم روی نقطه قوتشان طراحی می‌کند که ببیند از کجا وارد شود تا بتواند از این نقطه قوت در راستایی که می‌خواهد استفاده کند. در مقوله نفوذ فقط هدف دشمن این است که از تحقق یافتن اهداف انقلاب اسلامی جلوگیری کند و در مسیری که برای رسیدن به این اهداف طی می‌کند مانع ایجاد کند. طرقش مختلف است. موردی داشتیم که کنار فرد توانا و با عرضه‌ای مسئول دفتری گذاشته بودند و راجع به ارتباطش با سرویس اطلاعاتی هیچ رد پایی پیدا نمی‌کردید. دشمن از او چه خواسته بود؟ آقای رئیست وقتی می‌خواهد آدم به کار بگیرد به محض اینکه قصد دارد یک فرد با عرضه را به خدمت بگیرد تو اجازه نده! من به واسطه مسئولیتی که داشتم، دقیقا از این موضوع اطلاع داشتم.

جای خاصی بود. به او گفته بود وقتی می‌خواهد کسی را مسئول جایی کند، اگر آدم با عرضه‌ای بود نگذار و مانع بشو، اما افراد بی‌عرضه را که می‌خواهد به کار بگیرد، بگذار که این کار انجام شود. فقط همین کار را از او خواسته بودند و هیچ کار دیگری به او نداشتند. می‌داند اگر آدم با عرضه بگذارد انقلاب جلو می‌رود. دل و جگر دارد، ریسک می‌کند و کار را پیش می‌برد، اما یک فرد بی‌عرضه می‌خواهد برود قرارداد امضا کند دست و پایش می‌لرزد و خیلی مسائل دیگر. می‌پرسند چرا نمی‌روی این قرارداد را امضا کنی؟ جواب می‌دهد بعداً می‌آیند یقه‌ام را می‌گیرند. کسی که مسئولیت می‌پذیرد باید زندانش را هم بپذیرد. ببینید دشمن در این مقوله در طراحی‌هایش کجاها را می‌بیند تا بتواند به نتیجه برسد.

می‌خواهم این بحث عقبه قرآنی داشته باشد. اگر بخواهیم درباره نفوذ تجزیه و تحلیل و بررسی دقیق کنیم باید به سراغ قرآن برویم. خداوند متعال می‌فرماید شیطان برای انحراف انسان از مسیر صراط مستقیم چه کار می‌کند؟ شیطان دقیقاً همه مقاصدش را با نفوذ پیش می‌برد. نفوذ ابعاد مختلفی دارد. مثلاً یکی از بحث‌ها بین ما طلبه‌ها این است که یکی از علما تصمیم گرفت درباره شیطان و روش‌هایی که برای وسوسه و فریب انسان به کار می‌برد کتاب بنویسد. کسی شیطان را دید و گفت: «فلانی می‌خواهد کتابی علیه تو بنویسد.» شیطان گفت: «خودم تحریکش کردم بنویسد.» ببینید نفوذ تا کجاهاست. این نکته قابل توجه است.

کار بعدی دشمن این است که نفوذ جریانی راه بیندازد، مخصوصاً از فتنه 88 به این طرف دشمن همه همّ و غمش را گذاشته است تا نفوذ جریانی را راه بیندازد.

**چرا بعد از فتنه 88؟ آیا دشمن احساس کرد از یک‌سری روش‌ها نتیجه نمی‌گیرد و وارد این مرحله شد یا احساس کرد یک عده آدم دارد و می‌تواند روی آنها حساب کند؟**

یکی اینکه از یک‌سری کارها نتیجه نمی‌گیرد و مهم‌تر از همه اینکه ناگهان متوجه شد آدم‌هایی در درون دارد که از اینها می‌تواند استفاده کند. حالا اینها متفاوتند، بعضی‌هایشان عقبه دارند و افرادی را کنارشان چیده است و آنها دارند اینها را در این مسیر هدایت می‌‌کنند. در فتنه 88 یکی از کارهایی که دشمن در بحث نفوذ دنبال می‌کند، گرفتن حساسیت‌ها از بدنه نخبگانی کشور است. در فتنه 88 سراغ کسی می‌رفتیم که در انقلاب نقش و تأثیرگذاری داشت و در جایگاه‌های حساسی بود و پیش از انقلاب زندان رفته بود. وقتی می‌گوییم در انقلاب نقش داشته است یعنی با موساد، CIA و MI6 درگیر بود، چون ساواک یعنی همه اینها. این نکته را در پرانتز می‌گویم. امروز انگلیس‌ها هدفمند دارند سفارتشان را در ایران افتتاح می‌کنند و برمی‌گردند. بقیه کشورهای اروپایی که عمدتاً نیابتی از CIA کار می‌کنند. دارند آدم‌هایشان را برمی‌گردانند و سفارت‌هایشان را فعال می‌کنند. چرا؟ سفارت فرانسه دارد سفیرش در فلسطین اشغالی و اسرائیل را به اینجا می‌آورد! این یعنی چه؟ آیا همین‌طوری ساده اتفاق می‌افتد؟ ما داریم به انتخابات سال 1396 می‌رسیم. در انتخابات فتنه 1388 چه اتفاقاتی افتاد؟ بررسی کنید از شش ماهه دوم سال 1387 ترددهای داخل کشور چگونه است؟

**از خارج به داخل؟**

بله. چه کسانی دارند می‌آیند؟ نباید راحت از کنار این قضیه گذشت. الان هم همین‌جور است. در فتنه 88 سفارت انگلیس بیش از 200 نفر آدم داشت و تعدادی زیادی از این افراد هم انگلیسی بودند، بقیه‌شان ایرانی‌های همراه آنها بودند. این‌ها در کل کشور پراکنده شدند و در راستای مسیری که می‌خواستند سراغ نخبگان کشور رفتند. ما هم پیش طرف می‌رفتیم و می‌گفتیم این هم سند، این امریکا، CIA و MI6 است و اینها دارند این کار را می‌کنند. سراغ چه کسی می‌رفتیم؟ کسی که ضربه‌های انگلیس و استکبار را خورده است سرش را تکان می‌دهد و می‌گوید نمی‌دانیم. نشان می‌دهد دشمن حساسیت را از بین برده است.

**رویش کار کرده است.**

همین‌طور است. همچنان هم دارد این کار را انجام می‌دهد و این مسیر دارد طی می‌شود. دشمن تازه فهمیده است می‌تواند از این راه استفاده کند و به نتیجه برساند. کافی است نگاهی به نشریات و رسانه‌هایی کنید که افراد دچار انحراف فکری در آنها مطلب می‌نویسند. ببینید چه کار می‌کنند. چه چیزهایی را دارند زیر سؤال می‌برند. چندی پیش در یکی از روزنامه‌ها دیدم که یکی از بازیگران سریال معمای شاه گفته بود: «پشیمانم که در سریال معمای شاه بازی کرده‌ام. دروغ است که زمان شاه این خبرها بوده است...» این یعنی چه؟ دارد چه خطی دنبال می‌شود؟ در نظام جمهوری اسلامی که با انقلاب اسلامی به وجود آمده و این انقلاب رژیم طاغوت را ساقط کرده است، یکی این‌جوری حرف می‌زند و بعد رسانه ما هم به آن می‌پردازد. این چه چیزی را دارد دنبال می‌کند؟ نسل سوم و چهارم را به کدام طرف می‌برد؟ این‌ها همگی در نفوذ جریانی می‌گنجند.

**قبل از تفصیل درباره نفوذ جریانی، راجع به نفوذهای موردی سؤالی می‌‌کنم. وقتی سفارت‌های انگلیس و فرانسه و بقیه سرویس‌ها به پادوهایشان در داخل خط می‌دهند، لازم است دو کار ابتدایی انجام شود: اولاً برخورد اطلاعاتی و امنیتی با این عوامل و سرویس‌ها که شناسایی، رصد، مدیریت و دستگیر شوند. ثانیاً افرادی که اینها سراغشان می‌روند قبلش ما برویم و به آنها کمک کنیم و اطلاعات بدهیم و بصیرت‌افزایی کنیم.**

این‌ها جزو کارهای لازم و ضروری است و اتفاقاً یکی از وظایف عمده و مهم دستگاه اطلاعاتی همین است. اینکه می‌رفتیم سند نشان می‌دادیم، نخبگان و افراد را رده‌بندی و بر این اساس تقسیم‌بندی کرده بودیم و می‌رفتیم با آنها صحبت می‌کردیم در همین راستاست. در واقع اطلاع‌رسانی و خبر دادن است. به نکته مهم و قابل توجهی اشاره می‌کنم که دستگاه اطلاعاتی در بسیاری از مسائل حق دخالت و عملیات ندارد، باید کار اطلاعاتیش را انجام بدهد. بعضی‌ها فکر می‌کنند دستگاه اطلاعاتی باید عملیات هم انجام بدهد، عملیات را آنکه به او اطلاعات دادی باید انجام بدهد. به رده‌های مسئولیتی مختلف اطلاعات می‌دهی که این خبرها هست و این اتفاقات دارد می‌افتد، او باید برود و طراحی مدیریتی بکند. مثل تشکیلات نظامی است. تشکیلات نظامی یک معاونت اطلاعات و یک معاونت عملیات دارد. معاونت اطلاعات وضعیت دشمن را در می‌آورد و می‌آید گزارش می‌دهد که وضعیت دشمن این‌چنین است و می‌خواهد این کارها را بکند و این‌جوری برنامه‌ریزی کرده است. معاونت عملیات می‌رود و کار عملیاتی می‌کند که اینها را به هم بزند. وقتی خیلی از مسئولین و افراد جامعه به این اطلاعات و تبیین‌ها توجه نمی‌کنند در تصمیم‌گیری و خیلی چیزهای دیگر دچار اشتباه می‌شوند.

طراحی دشمن در نفوذ جریانی این است که برای رسیدن به هدفش می‌خواهد در بین ملت شبکه‌سازی کند. نزدیک سه ماه می‌شود که دستگاه اطلاعاتی کشور جاسوسی را دستگیر کرده است که در اعترافات نکات عجیبی است. اصلاً مأموریتش راه‌اندازی یک شبکه در سطح کشور با پول زیادی است که امریکایی‌ها به او داده بودند. با کمال تأسف وقتی این فرد دستگیر شد، عده‌ای از داخل کشور برای آزادی او راه افتاده‌اند. امریکایی‌ها هم به زمین و آسمان متوسل شده‌اند. مأموریتش ایجاد شبکه در سطح کشور بود. این شبکه را چگونه ایجاد می‌کند؟ به دنبال NGO ها یا مجموعه‌هایی تحت عناوین عامه‌پسند و نخبه‌پسند.

**محیط زیست، حیوانات، حقوق زنان و غیره.**

بله. مثلاً در امریکا مجموعه‌ای به نام «شورای ملی ایرانیان امریکا» هست که CIA هدایت و اداره‌اش می‌کند. CIA و مجموعه‌های مختلف نشسته و هفت پروژه طراحی کرده‌اند تا در نفوذ از آنها استفاده کنند و به اهدافشان در مورد انقلاب اسلامی برسند. اولین پروژه‌شان نشست‌های علمی میان ایران، اروپا و امریکاست. گروهی را که اخیراً تحت عنوان اساتید دانشگاه‌های امریکا به دانشگاه تهران می آیند را باید بررسی کنیم و ببینیم اینها چه کسانی هستند؟ آیا دانشگاهی هستند یا آدم‌های سرویس‌های اطلاعاتی؟ تک تکشان را در بیاوریم. این‌ها اصلاً برای چه آمده بودند؟ این نکته را در پرانتز می‌گویم که برای استکبار و امریکایی‌ها علامت سؤال بزرگی هست که به‌رغم 38 سال تحریم در موقعیت‌ها، ابعاد و مقاطع مختلف ایران در بحث‌های علمی دارد پیش می‌رود. سرّش چیست؟ قبلا برای برگزاری برخی جشنواره های علمی اجازه داده نمی شد؛ چرا؟ چون خبر داشتیم CIA و افرادش دنبال این هستند نیروهای علمی ما را شناسایی کنند. به همین دلیل هم اجازه نمی‌دادیم نیروهایمان شناسایی شوند. بدون تعارف در بخش علمی پیشرفت‌های بسیار بالایی داریم.

عده‌ای داخل کشور این پیشرفت ها را قبول ندارند و می‌گویند همه‌اش حرف است کدام پیشرفت؟ کجا؟ کافی است ببینید در عرصه‌های نظامی و موشکی چه پیشرفت‌هایی داشتیم. این‌ها کار علمی، پیچیده و قابل توجهی است که روی آنها سرمایه‌گذاری کرده‌ایم. مقام معظم رهبری بازدید زیبایی از مپنا (مدیریت پروژه‌های نیروگاهی ایران) داشتند. مجموعه‌ای از بچه حزب‌اللهی‌ها آنجا جمع شده‌اند که بخش عمده‌شان را می‌شناسم و بچه‌های سپاه بودند. کارهای بزرگی انجام داده است. امروز به چه وضعی افتاده است؟ چرا نباید مپنا در کشور محور شود و همه همّ و غم روی این باشد که فقط تولیدات اینجا در کشور استفاده شود؟ آیا امروز این‌جوری است؟

دشمن می‌گوید پروژه اولمان در نفوذ نشست‌های علمی میان، ایران، اروپا و امریکاست. پروژه دومشان انرژی پاک است. از آنجا که ایران به‌شدت نیازمند به انرژی است، امریکا و اروپا می‌تواند هیأت‌های نمایندگی برای همکاری به ایران بفرستد، مثل بحث‌های خورشیدی و امثالهم و از طریق انرژی پاک برنامه‌ها و طرح‌های نفوذ را پی بگیرد. سومین پروژه‌شان فرستادن رئیس کمیته علمی کنگره امریکا به تهران است. باید یک ارتباط قانونی اعتمادساز البته به صورت کم تکرار و به ندرت بین کنگره امریکا و مجلس ایران برقرار کرد. این ارتباط باید توسط نمایندگان شجاعی صورت بگیرد که می‌خواهند به سمت حفظ احترام حکومت ایران حرکت کنند! ببینید چگونه مطرح می‌کنند. فقط توجه کنید وقاحتشان تا کجاست، امریکا می‌تواند برای ایجاد رابطه علمی با آیت‌الله خامنه‌ای و حسن روحانی هم ارتباط برقرار کند! پروژه چهارم بازدید رؤسای دانشگاه‌های مهم امریکا از تهران و پنجمین طرحشان برنامه‌های بورس کردن دانشجویان ایرانی است که بحث‌های اینها مشخص است. پروژه ششمشان طرح‌های زیست محیطی مثل قضیه دریاچه ارومیه و هفتمین مورد هم آلودگی هوا در ایران است.

**مردم ما هم که بشنوند می‌گویند به‌به! عجب استکبار خوبی است.**

دارد ذهنت را به سمتی می‌برد که مسائل مهم و عمده‌ات کنار گذاشته شود و نسبت به آنها بی‌توجه شوی. با این کارها دارد شبکه ایجاد می‌کند. در نفوذ جریانی دشمن چهار کار را دنبال می‌کند. در صحبت‌های خیلی از افراد هست و فقط اشاره می‌کنم. در نفوذ جریانی تغییر باورها، آرمان‌ها، نگاه‌ها و سبک زندگی را دنبال می‌کند. در قضیه شوروی چه اتفاقی افتاد؟ مک‌دونالد چه شد و چه جایگاهی پیدا کرد؟ خودشان گفتند مک‌دونالد آمد و ما را داغان کرد. عمده‌ترین وسیله‌ای که در بحث نفوذ از آنها استفاده می‌شود پول و جاذبه‌های جنسی است و روی این دو خیلی سرمایه‌گذاری می‌کند تا به اهدافش برسد.

**در جواب آنچه تا الان فرمودید اینها می‌گویند شما می‌خواهید در ارتباطات کشور را ببندید و توهم توطئه دارید.**

کافی است قرآن را ورق بزنیم و آیاتش را درباره یهود و نصارا و مذاکرات پیامبر (ص) و رفت و آمدهای بین پیامبر(ص) و اینها بخوانیم. اصلاً اسلام نمی‌گوید که در و بام را ببندید و هیچ ارتباطی نداشته باشید، بلکه می‌گوید در ارتباطات و مذاکرات هوشیار باشید و دقت کنید. همان‌طور که مقام معظم رهبری می‌‌فرماید و تأکیدم این است که روی عقبه قرآنی فرمایش‌های ایشان بحث شود. ایشان می‌فرماید بروید مذاکره کنید، ولی حواستان باشد این دشمن است و شما دارید با دشمن مذاکره می‌کنید. درست است در مذاکره باید در جایی به تفاهم برسی، اما نه تفاهمی که همه چیزت را بدهی. مقام معظم رهبری در جلسه اخیرشان با دولت فرمودند یکی از دستاوردهای مذاکرات برای ما این بود که فهمیدیم دشمن قابل اعتماد نیست.

**از روز اول هم همین را گفته بودند.**

همین‌طور است. مدیریت جامعه همین است که روزهای اول وقتی می‌گفتید می‌خواهیم برویم مذاکره کنیم، می‌گفتند نه فایده ندارد، مردم می‌گفتند نمی‌گذارند مشکلات کشور حل شود، اما ولی‌فقیه جامعه را مدیریت می‌کند و جلو می‌آورد که ببین نتیجه نمی‌دهد، چون طرف مقابلمان دشمن است. مدام هم دارد می‌گوید. قابل توجه این است که بعضی‌ها اصلاً حاضر نیستند بپذیرند روبرویشان دشمن نشسته است و دارند با دشمن مذاکره می‌کنند و متأسفانه احساس می‌کنند دارند با دوست مذاکره می‌کنند. آیا واقعاً دوست است و داریم با دوست مذاکره می‌کنیم؟ طرف ما یا دوست است یا بی‌طرف یا دشمن.

یکی از بحث‌های جدی در نفوذ جریانی که دشمن دارد روی آن سرمایه‌گذاری می‌کند ایجاد اشتباه محاسباتی در مسئولین، نخبگان و مردم است. این یکی از نکاتی است که امروز مبتلابه ماست و باید در جامعه برایش حساب ویژه‌ای باز کنیم. مقام معظم رهبری هم یکی دو ماه پیش به اشتباه محاسباتی اشاره کردند. حالا قضیه چیست؟ دشمن همه همّ و غمش را می‌گذارد تا جایگاه تصمیم‌گیری و اقدام هر کدام از مردم، مسئولین و نخبگان دچار اشتباه محاسباتی شود.

دشمن 10 کار انجام می‌دهد تا اشتباه محاسباتی شکل بگیرد. اولین اقدامش ایجاد رعب و ترس است. آقای ظریف شب که می‌خواست از ایران راه بیفتد و برای مذاکره برود، اوباما یا مصاحبه می‌کرد یا در سخنرانیش می‌گفت گزینه نظامی روی میز است.

آن آقا هم اشتباه کرد و در سخنرانی اش در دانشگاه تهران گفت: «اگر امریکا تصمیم بگیرد تجهیزات نظامی ما را از کار بیندازد، با یک دکمه این کار را می‌کند.» در تلویزیون هم پخش شد. دوستان گفتند ایشان را می‌بریم تا تأسیسات نظامی را ببیند و بداند که واقعاً این‌جوری نیست. بعد که دید آمد در مصاحبه‌ای در تلویزیون گفت این‌طور هم نیست که با یک دکمه بتواند همه چیز را از بین ببرد. کار بسیار اشتباهی که صورت گرفت تماسی بود که سال گذشته با اوباما گرفته شد. بعد وقتی می‌پرسیم این چه کاری بود؟ چرا این‌طوری شد؟ در پاسخ می‌گویند 50 سال دیگر می‌فهمید چه بود. یک‌سری ناخن زدیم بفهمیم چه خبر است. علت چه بود؟ ترس. هم می‌ترسد و هم مردم را می‌ترساند که گزینه نظامی روی میز است. مدام هم این جمله را تکرار می‌کنند. 38 سال است گزینه نظامی روی میز است. چه کار کردند؟ هشت سال آن جنگ بود و با بزرگ‌ترین تحریم جلویشان ایستادیم. به شما اصحاب رسانه پیشنهاد می‌کنم 38 سال تحریم جمهوری اسلامی را تجزیه و تحلیل و ارزیابی کنید. در چه مقاطعی تحریم سنگین‌تر بود؟ در دوران دفاع مقدس به ما حتی سیم خاردار هم نمی‌فروختند، اما در مقابل امریکا و استکبار ایستادیم و با همه‌شان جنگیدیم. سفری به عربستان کردم. همان موقعی بود که تازه قضایای سوریه شکل گرفته بود. عده‌ای داخل کشور می‌گویند برویم با آل‌سعود ارتباط برقرار کنیم، حتی با وقاحت هر چه تمام‌تر می‌گویند به امریکایی‌ها بگوییم ما را به آل‌سعود وصل کنند و روابط ما را با آنها درست کنند و حرف‌هایی از این قبیل. همان وقت هم بعضی همین حرف‌ها را می‌زدند که اگر می‌خواهید قضیه سوریه حل شود، باید برویم با آل‌سعود ارتباط برقرار کنیم. هر چه به اینها گفته می‌شد اینها دشمنند؛ اصلاً آل‌سعود شجره ملعونه و دشمن انقلاب اسلامی است، نمی‌پذیرفتند. حالا دارد مسائلی روشن می‌شود. البته هنوز هم زیر بار این حرف‌ها نمی‌روند، چون کاخ‌های آل‌سعود را که دیدند دلشان می‌خواهد کاخ‌های این‌جوری داشته باشند. این‌ها در کشور ما دنبال کاخ و اشرافی‌گری و زندگی اشرافی هستند.

قرار شد در دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی بحث و تصمیم گرفته شود. تصمیم بر این شد من به عربستان بروم و با نایِف، ولیعهد وقت این کشور صحبت کنم. رفتیم و صحبت کردیم. جالب این بود که قبل از اینکه بروم بررسی کردم این فرد با چه کسانی ملاقات داشت و در ملاقات‌هایشان چه گذشته بود. خارج از بحث است و فقط اشاره می‌کنم. در مطالعاتم متوجه شدم او در مقابل هر کسی از جمهوری اسلامی که می‌رفت و با او ملاقات می‌کرد یک تاکتیک به کار می‌برد که همان ابتدای امر حمله سنگینی به طرف می‌کرد و او را گوشه رینگ می‌برد و نماینده جمهوری اسلامی بحث اصلیش را فراموش می‌کرد و به ناچار در موضع دفاع قرار می‌گرفت. فهمیدم نباید بگذارم چنین اتفاقی بیفتد. وقتی برای مذاکره نشستیم، دوربین‌ها هم بودند. از نظر دیپلماسی او ولیعهد بود و در مقابل ما که وزیر بودیم او باید اول شروع می‌کرد. او هم بر طبق تاکتیک همیشگیش شروع کرد ما را گوشه رینگ ببرد که در کشور شما علیه ما چنان و چنان می‌گویند. برخلاف روال دیپلماسی وسط صحبتش گفتم: «آقای نایف! من برای این حرف‌ها اینجا نیامده‌ام.» کوچکش هم کردم و گفتم: «کلاس مطالبی که شما دارید می‌گویید در شأن من نیست که راجع به آنها با شما بحث کنم. معاون امنیت من اینجا نشسته است، اگر خواستید وقتی بگذارید معاون امنیتم بیاید و در این باره صحبت کنید و به این مسائل جواب بدهد.» بعد پیغام داد که مرا کوچک کرد. از بیان این خاطره می‌خواهم به این نکته تأکید کنم که آل‌سعود دشمن انقلاب اسلامی و شجره ملعونه است. در آن جلسه صراحتاً گفت: «ما در دوران جنگ صدام با شما با همه هستیمان از صدام حمایت و به همراه کشورهای خلیج‌فارس چند ده میلیارد دلار به صدام کمک می‌کردیم.» این حرف را در جلسه رسمی زد. اینکه می‌گوییم با همه دنیا درگیر بودیم، شوخی نداریم. نمونه‌اش همین اعتراف عربستان است. ما تحریم سنگین بودیم و به ما سیم خاردار هم نمی‌دادند. در این فضا، انقلاب اسلامی مقابل دنیای استکبار ایستاد و جلو رفت. بالاخره هر جا که صدام کم می‌آورد امریکایی‌ها به کمکش می‌آمدند، نمونه‌اش انداختن هواپیمای مسافربری ایران به خلیج‌فارس بود. از این نمونه‌ها زیاد است. امنیتی که امروز در ایران وجود دارد در کجای دنیا هست؟ البته بابتش هزینه داده شده است.

بحثم سر تحریم است. یکی وضعیت تحریم‌ها را در این 38 سال بررسی کند و بگوید در این مدت تحریم‌ها چه کار کرد؟ ما چه کردیم؟ چقدر جلو رفته‌ایم؟ الان در دنیا و منطقه چه وضعیتی داریم و کجا هستیم؟ بقیه کشورها مثل عربستان، ترکیه، مصر و... عمله و اکره امریکا بودند.

**حتی خود صدام.**

همین‌طور است. الان آن‌ها کجا هستند و ما کجاییم؟ وقتی نایف گفت: «با همه وجودمان از صدام حمایت می‌کردیم»، گفتم: «خب الان صدام کجاست و جمهوری اسلامی کجا؟» سؤال دوم، صدام با پول کی ساقط شد؟ چون صدام با پول سعودی‌ها از بین رفت، چون سعودی به امریکایی‌ها پول داد و گفت شاخی که علیه انقلاب اسلامی درست کردید حالا علیه خودمان شده است. بیا و جمعش کن. این قضیه مربوط به وقتی است که صدام به کویت حمله کرد. سؤال سومی که کردم این بود که امروز حکومت عراق با کجاست؟ با شماست یا با انقلاب اسلامی؟ ماند که چه بگوید. 38 سال است داریم علیه استکبار می‌جنگیم، در این جنگ چه کسی جلو رفته و به پیشرفت رسیده است؟ چرا استکبار دست برنمی‌دارد؟ چون می‌بیند در همین جنگ انقلاب اسلامی دارد جلو می‌رود. مدام تهدید می‌کند و می‌گوید گزینه نظامی روی میز است. اگر خواستید آیات قرآنی را در این باره ببینید سوره آل‌عمران آیات 173 و 175 به همین مهم می‌پردازد. اشاره می‌کند که همه همّ و غم دشمن این است که شما را بترساند و با ترسی که در دلتان ایجاد می‌کند شما را دچار اشتباه محاسباتی کند. اشتباه محاسباتیتان این است که به جنگ نروید، در مقابل دشمن نایستید، مقابله نکنید، کوتاه بیایید، کم بیاورید و امثالهم. اقدام دومش وعده دروغ دادن است تا دچار اشتباه محاسباتی شوید. در این دو سال مذاکرات چقدر وعده دادند که تحریم‌ها برداشته می‌شود، پول می‌آید...

**البته آنها که وعده ندادند؛ ما از قول آنها می‌گفتیم. آن‌ها که از اول گفته بودند خبری نیست!**

همین‌طور است. البته همه وعده‌ها هم دروغ در آمد. مدام می‌گفتند از فلان وقت می‌شود و می‌دیدیم خبری نیست. سوره نساء آیه 120 به‌خوبی این بحث را بیان می‌کند. به وعده دروغش کاری ندارم، پیامد این کار، یعنی اشتباه محاسباتی برایم مهم است. سوم مشغول کردن به خیال‌پردازی و آرزوهای دور و دراز داشتن است که در سوره نساء آیات 117 تا 120 این مهم را تبیین می‌کند. دشمن برای اینکه ما را به اشتباه محاسباتی بیندازد گرفتار خیال‌پردازی و آرزوهای دور و دراز داشتن مشغول می‌کند. امروز انقلاب اسلامی با این تحریم‌ها تا کجا رفته است؟ راه دور نرویم در مصر، ترکیه و عربستان این آرزوهای دراز جامه عمل پوشیده است؟ در عربستان در ایام حج با یک عرب عربستانی جر و بحث داشتیم. می‌گفت: «امریکایی‌ها نوکر ما هستند.» می‌‌پرسیدیم: «یعنی چه که نوکر شما هستند؟» جواب داد: «ما به آنها نفت می‌دهیم. آن‌ها برایمان ماشین‌های کذایی درست می‌کنند.» این‌جوری دارد برای طرف آمال و آرزو درست می‌کند که تو داری او را اداره می‌کنی. توجه ندارد، یک ذره بیخ کار را بگیرد تو بیچاره‌ای! اقدام چهارم زیبا جلوه دادن عملکرد نادرست است. شیطان برای تحریف انسان در اشتباه محاسباتی اقدام غلط و زشت را درست و زیبا جلوه می‌دهد. آقای جوادی آملی در این باره بحث قشنگی دارد که وقتی شیطان از درگاه خداوند رانده شد، گفت: «همه‌شان را منحرف می‌کنم.» پرسیدند: «چگونه؟» جواب داد: «آن‌ها را دچار اشتباه محاسباتی می‌کنم. لَأُزَیِّنَنَّ لَهُمْ (1). در نظرشان دنیا را زیبا جلوه می‌دهم.» در رده مسئولین با کمال تأسف زندگی اشرافی‌گری در کشور راه افتاده است و هزینه‌های سنگینی برای ماشین‌های آخرین سیستم و آنچنانی می‌شود. همه اینها برای چیست؟ فکر می‌کند زیبایی و قدرت همین است. خداوند آقای جوادی آملی را حفظ کند، ایشان می‌گوید لَأُزَیِّنَنَّ لَهُمْ، شیطان ماشین آخرین سیستمی را که خیلی زیبا و قشنگ است و خیلی‌ها وقتی می‌بینند آب از لب و لوچه‌هایشان راه می‌افتد و چه حالی می‌شوند، جوری جلوه می‌دهد که زیبایی این ماشین مال توی انسان است تا زیبایی خودت یادت برود. زیبایی انسان به معنای واقعی انسان چیست؟ ایثار، احسان، از خودگذشتگی، شجاعت و... است، ولی شیطان می‌آید و می‌گوید ماشینِ من، خانه من و همین‌طور بشمرید و جلو بروید. اسلام هم نمی‌گوید این را نداشته باشید. «رِجَالٌ لَا تُلْهِیهِمْ تِجَارَهٌ وَلَا بَیْعٌ عَنْ ذِکْرِ اللَّهِ»(2)، نمی‌گوید دنبال تجارت و توسعه نباش، ولی می‌گوید اینها باعث نشود خدا را فراموش کنی و دچار اشتباه محاسباتی شوی که این همان اتفاقی است که شیطان می‌خواهد بیفتد.

اقدام پنجم شایعه‌سازی و دروغ‌پراکنی است. دشمن شایعه‌ای را راه می‌اندازد تا آدم‌های ارزشی را زمین بزند. اتفاقی در جایی می‌افتد و می‌گوید تقصیر فلان مجموعه است. در بحث قبلی سوره انعام، آیه 43 بدان پرداخت و این بحث در سوره نساء آیه 83 عنوان شده است.

اقدام ششم برای اینکه اشتباه محاسباتی شکل بگیرد، القای یأس و روحیه «ما نمی‌توانیم» است. عده‌ای مدام می‌گویند نمی‌شود، نمی‌توانیم، مشکلات اقتصادی حل نمی‌شوند. بر اساس اطلاعاتم می‌گویم که در مجموع 30‌درصد مشکلات اقتصادیمان ناشی از تحریم‌هاست. 70‌درصدش اصلاً ربطی به تحریم‌ها ندارد. همین جا یک سؤال می‌کنم که طی دو سال گذشته ببینید چند ماشین‌ آخرین سیستم وارد کشور شدند؟ وزیر صنعت حدود دو ماه پیش مصاحبه کرد که در یک سال گذشته 100 هزار خودرو از خارج وارد شده است. مگر ما تحریم نیستیم؟ باید برای خرید اینها نقل و انتقال پول انجام و دلار داده شده باشد. این ماشین‌ها همین‌جوری که نیامده‌اند. چرا این نقل و انتقال پول برای مواد اولیه نرفته است که جلوی بیکاری را بگیرد؟ اما برای ماشین‌ها و کالای قاچاق و امثالهم دارد می‌شود. نشان می‌دهد عده‌ای دارند می‌روند جابه‌جایی پول می‌کنند و جنس می‌آورند. بر اساس آمار و ارقام منتشرشده توسط خودشان سه سال گذشته نقدینگی سه برابر و خرده‌ای شده، نقدینگی هم بزرگ‌ترین تهدید و هم بزرگ‌ترین فرصت است. چقدر از این به عنوان فرصت استفاده کرده‌ایم؟ الان برای نقدینگی چه برنامه‌ای دارید؟ می‌خواهید چه کار کنید؟ اگر همین‌طور جلو برود، تهدید است و تعارف هم نداریم. در سوره بقره آیه 268 هم به این مهم اشاره می‌کند. دشمن با القای اینکه نمی‌توانیم ما را دچار اشتباه محاسباتی می‌کند. اقدام هفتم ایجاد غفلت از امدادهای غیبی الهی است. در اینجا خیلی حرف داریم. خدا هم کلی با ما حرف دارد. خدا علاوه بر اینکه در آیاتی از قرآن می‌فرماید مراقب یهودی‌ها باشید و آنها را دشمن بدانید و خصوصیاتشان را بیان می‌کند، مدام می‌گوید از تکیه به خدا غافل نشوید و به امدادهای غیبی توجه کنید. در جنگ امدادهای غیبی را بارها تجربه کرده‌ایم. خداوند در سوره مائده اشاره می‌کند ولایتمدار یهود و نصارا نباشید. به چه کسانی می‌گوید؟ مؤمنین، انقلابی‌ها و نهضتی‌ها. در آیه 52 می‌فرماید: «فَتَرَى الَّذِینَ فِی قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ یُسَارِعُونَ فِیهِمْ یَقُولُونَ نَخْشَى أَنْ تُصِیبَنَا دَائِرَه» عده‌ای از همین مؤمنین و انقلابی‌ها که با انقلاب بودند و آن را جلو بردند، مریضند. تعابیر قرآنی واقعاً زیباست. همین «یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا» که می‌گوییم ولایتمدار یهود و نصارا نباشید، عده‌ای از اینها مریضند و در مریضیشان «یُسَارِعُونَ فِیهِمْ» سرعت می‌گیرند که طرف یهود و نصارا بروند. مثل این است که خداوند برای شرایط امروزمان آیه نازل کرده است. یهود و نصارا غیر از اروپا و امریکا جای دیگری که نیست، به سمت آنها سرعت می‌گیرند. خدا در قرآن می‌فرماید وقتی به آنها می‌گویید چرا سراغ اینها می‌روید؟ «یَقُولُونَ نَخْشَى أَنْ تُصِیبَنَا دَائِرَه» می‌گویند می‌ترسیم اینها به ما لطمه بزنند. یکی از برادرها به آقایی که می‌گوید ارتباط با امریکا لازم است یا تجهیزات نظامی نمی‌خواهیم و باید برداریم و حذفش کنیم تکه قشنگی گفته بود که اگر تیم حفاظتت را بردارند چه می‌شود؟ آیا جرأت می‌کنی یک روز بیرون بیایی؟ این حفاظت شخصی توست. ملت، جامعه و کشور تیم حفاظتی نمی‌خواهد؟ خدا می‌گوید چرا مدام سراغ یهود و نصارا می‌روید و سرعت می‌گیرید که برای رفع مشکلاتتان سراغشان بروید؟ «یَقُولُونَ نَخْشَى أَنْ تُصِیبَنَا دَائِرَه» می‌گویند می‌ترسیم اینها به ما لطمه بزنند. گزینه نظامی روی میز است. خدا چه می‌گوید: «فَعَسَى اللَّهُ أَنْ یَأْتِیَ بِالْفَتْحِ أَوْ أَمْرٍ مِنْ عِنْدِهِ فَیُصْبِحُوا عَلَى مَا أَسَرُّوا فِی أَنْفُسِهِمْ نَادِمِینَ»، اما ناگهان می‌بینید خداوند با امدادهای غیبی فتح و پیروزی می‌فرستد. چیزی که فراموشش کرده‌ایم. در چنین شرایطی آنهایی که به سمت یهود و نصارا رفته‌اند از پشیمانی نمی‌دانند چه کار کنند. همه تلاش دشمن این است که ما را غافل کند و بگوید خدا را ول کن. سوره مجادله آیه 19 «اسْتَحْوَذَ عَلَیْهِمُ الشَّیْطَانُ فَأَنْسَاهُمْ ذِکْرَ اللَّهِ أُولَئِکَ حِزْبُ الشَّیْطَانِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ الشَّیْطَانِ هُمُ الْخَاسِرُونَ»‌‌ این‌ها حزب و جریانند.

هشتمین اقدام برای اشتباه محاسباتی قبح‌زدایی و تغییر خطوط قرمز است. اصلاً امریکایی‌ها مذاکره را برای رفع مشکل دنبال نکردند، مذاکره را برای مذاکره می‌خواستند. دو سال است می‌خواهند به مردم بگویند ببینید می‌شود با امریکایی‌ها نشست و حرف زد، چرا بیخود می‌گویید نمی‌شود؟! قصدش قبح‌زدایی و شکستن و از بین بردن خطوط قرمز است. با کمال تأسف عده‌ای در این وادی افتاده بودند که چه اشکالی دارد. مقام معظم رهبری در صحبت‌هایشان فرمودند حواستان به لبخندی که می‌زنند باشد، این دشمن است که دارد لبخند می‌زند. گول لبخندش را نخور. می‌خواهد خط را بشکند و خطوط قرمز را از بین ببرد. در نهج‌البلاغه خطبه 83 به زیبایی وارد این وادی شده است.

نهمین اقدام خیرخواه نشان دادن خود است. کری می‌آید و می‌گوید شما بپذیرید بشار برود، ما مقاومت را برایتان حفظ می‌کنیم. می‌خواهد خودش را خیرخواه نشان بدهد. سوره اعراف آیات 20 و 21 این نکته را تبیین می‌کند.

دهمین اقدامی که انجام می‌دهد تحریف سخن حق و ارائه تفسیر باطل از آن است. سوره آل‌عمران آیه 7 به این مهم پرداخته است. تفسیر باطلی از سخن حق می‌کند و آن را در یک مسیر انحرافی می‌برد. دوستان روی شبکه‌های ماهواره‌ای کار قشنگی انجام داده بودند. در مقطعی شبکه‌های ماهواره‌ای یکدفعه با هم طرفدار امام شدند و روی امام مانور می‌دادند. امام می‌فرماید هر کسی که امریکایی‌ها تعریفش را کردند، یعنی با دشمن همراه شده است! امروز می‌بینیم شبکه‌های ماهواره‌ای می‌گویند امام راجع به فلانی این‌جوری گفته یا امام از فلانی تعریف کرده است. آیا دل شبکه‌های ماهواره‌ای برای انقلاب و نظام سوخته است؟ ده موردی که ذکر کردم، هر کدام جای بحث و تفصیل بسیار دارد که فرصت اجازه نمی‌دهد.

**پی‌نوشت‌ها :**
1 ـ سوره حجر، آیه 39 ‌

2 ـ سوره نور، آیه 37